

## **Investigating Iran's defense role in countering the ISIS terrorist group in Iraq**

Ali Mohseni<sup>1</sup>  
Farzad naghizadeh<sup>2</sup>

### **Abstract**

With the formation of ISIS in Iraq in 2014 and its terrorist acts, Iran's national interests and security in the West Asian security environment were affected, as not only did the group define its area of operation internationally, but it also spread insecurity as it advanced toward Iran's borders. It could be. The ideology of ISIL, along with the support of the West and its regional allies, was considered a threat to the axis of resistance, so the present study seeks to answer the question of what was the strategy of the Islamic Republic of Iran against the ISIL terrorist group in West Asia? To examine this question in the context of defensive realism with a descriptive-analytical method and using the library sources of research findings shows that the emergence and rise of the ISIS terrorist group in Iran's neighborhood not only fears the disintegration of Iraq but also military capability and efforts to Infiltration into Iran is considered a security threat, so the strategy of national unity and maintaining the territorial integrity of Iraq and the fight against ISIS has been considered by Iran.

**Keywords: Iran, ISIS, foreign policy, security, defensive realism.**

---

<sup>1</sup> Assistant Professor of Political Science, Islamic Azad University, Qom Branch, Iran. [Dr.amohseni@gmail.com](mailto:Dr.amohseni@gmail.com)

<sup>2</sup> PhD student in Political Science, majoring in Political Thought, Islamic Azad University, Qom Branch, Iran. [Ch.nqyzadh@gmail.com](mailto:Ch.nqyzadh@gmail.com)

## بررسی نقش دفاعی ایران در مقابله با گروه تروریستی داعش در عراق

علی محسنی<sup>۱</sup>

فرزاد نقی زاده<sup>۲</sup>

### چکیده

با شکل‌گیری گروه داعش در سال ۲۰۱۴ در عراق و اقدامات تروریستی آن منافع ملی و امنیت ایران در محیط امنیتی غرب آسیا تحت تاثیر قرار گرفت چراکه نه تنها این گروه حوزه عملیات خود را بین‌الملل تعریف کرده بود بلکه با پیشروی به سمت مرزهای ایران موجب گسترش ناامنی نیز می‌شد. ایدئولوژی داعش در کنار حمایتی که از سوی غرب و متحدان منطقه‌ای آن میشد خطری برای محور مقاومت به شمار می‌رفت بنابراین پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این پرسش است که راهبرد جمهوری اسلامی ایران در قبال گروه تروریستی داعش در منطقه غرب آسیا چگونه بوده است؟ برای بررسی این سوال در چارچوب رئالیسم تدافعی با روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که ظهور و قدرت گرفتن گروه تروریستی داعش در همسایگی ایران نه تنها بیم تجزیه عراق را به همراه دارد بلکه توانایی نظامی و تلاش برای نفوذ به داخل ایران از تهدیدات امنیتی به شمار می‌رود از همین رو استراتژی وحدت ملی و حفظ تمامیت ارضی عراق و مبارزه با داعش مدنظر ایران بوده است.

**واژگان کلیدی: ایران، داعش، سیاست خارجی، امنیت، رئالیسم تدافعی**

<sup>۱</sup> استادیار علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم، ایران (نویسنده مسئول)

Dr.amohseni@gmail.com

<sup>۲</sup> دانشجوی دکتری رشته علوم سیاسی گرایش اندیشه سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم، ایران.

## مقدمه

بین راهبرد دفاعی و تهدیدهای نظامی ارتباطی دوسویه برقرار است و بین این دو مفهوم، تعاملی انکارناپذیر وجود دارد. از یک طرف راهبرد دفاعی هر کشور علاوه بر تأثیرپذیری از عوامل ژئوپلیتیکی و نگرش یک نظام و مسئولین آن به ماهیت تهدیدهای نظامی تأثیر می‌پذیرد و از طرف دیگر نیز بر چگونگی مواجهه شدن یک کشور با تهدیدهای نظامی آینده‌اش تأثیر قاطعی دارد. کشور عراق به عنوان همسایه غربی جمهوری اسلامی ایران به دلیل پیشینه اختلافات مرزی، تاریخی، قومی و جنگ تحمیلی هشت ساله و نیز حضور و نفوذ قدرت‌های متخاصم منطقه‌ای و بین‌المللی با جمهوری اسلامی ایران در این کشور و از سوی دیگر به عنوان پایگاه جغرافیایی گروهک‌های تکفیری و تروریستی معاند جمهوری اسلامی ایران، در آینده می‌تواند به طور ناخواسته به عنوان مبدأ عملیاتی مناسبی جهت تهدید نمودن جمهوری اسلامی ایران باشد. عوامل ایجابی که باعث اهمیت این تحقیق شده عبارت‌اند از:

الف - مبنایی برای سیاست‌گذاری دفاعی جمهوری اسلامی ایران در مقابل انواع تهدیدها با توجه به تحولات جدید کشور عراق می‌باشد.

ب - باعث اتخاذ راهبرد دفاعی متناسب با عوامل ژئوپلیتیکی نظامی برای مقابله با انواع تهدیدها از مبدأ سرزمینی عراق می‌شود.

عوامل سلبی که باعث ضرورت اجرای این تحقیق شده عبارت‌اند از:

الف - نداشتن یک راهبرد دفاعی کارآمد جهت مقابله با تهدیدهایی که استقلال و تمامیت ارضی جمهوری اسلامی ایران را از مبدأ سرزمینی عراق نشانه گرفته، باعث غافلگیری راهبردی نظام و نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران می‌گردد.

ب- در شرایط کنونی فقدان راهبرد دفاعی مطلوب، دفاع اطمینان‌بخش با تهدیدهای نظامی را از مبدأ سرزمینی عراق با چالش جدی مواجه می‌کند.

سؤال اصلی پژوهش این است که راهبرد جمهوری اسلامی ایران در قبال داعش در منطقه غرب آسیا چگونه بوده است؟ برای پاسخ به پرسش‌ها و دستیابی به اهداف پژوهش، از روش توصیفی - تحلیلی استفاده می‌شود. در این تحقیق گروه‌های تکفیری - تروریستی تهدید امنیتی علیه جمهوری اسلامی ایران می‌باشند. اهمیت پژوهش بدین لحاظ است که مباحث امنیت، منافع ملی و سیاست خارجی، مهم‌ترین موضوعات روابط بین‌الملل و کشورها می‌باشند. هر کشوری بسته به نوع نگاه و سیاست خارجی خود، در باره یک موضوع یا بحران، نسبت به آن رفتار می‌کند. موضوع داعش و نحوه شکل‌گیری و گسترش آن و میزان تاثیر گذاری آن بر امنیت و منافع ملی ایران، ضرورت این پژوهش را دوچندان می‌کند.

### چارچوب نظری

تهدید امنیتی عبارت از وضع و حالتی است که در آن مجموعه‌ای از ادراکات و تصورات نسبت به پدیده‌ها و رابطه‌ی آن‌ها با بقاء، کمیت با کیفیت ارزش‌های اساسی و مورد احترام بر وجود خطر جدی یا امکان نابودی آن ارزش‌ها دلالت می‌کنند (ریچارد<sup>۱</sup>، ۱۹۹۹). واقع‌گرایان تدافعی بر این باورند که دولت‌ها از طریق حفظ جایگاه خود در نظام بین‌الملل به امنیت خواهند رسید؛ بنابراین، آن‌ها به دنبال دستیابی به میزان مناسبی از قدرت در توازن با سایر دولت‌ها می‌باشند؛ آن‌ها بر این باورند که قدرت بیشتر منجر به امنیت کمتر خواهد شد (قوام، ۱۳۸۰: ۱۳۳)؛ زیرا دیگران هم به دنبال قدرت بیشتر خواهند بود. از منظر واقع‌گرایی علاوه بر امنیت، منافع ملی هم به‌عنوان اصلی‌ترین رکن در سیاست خارجی کشورها لحاظ می‌شود. در اتخاذ سیاست خارجی برای تامین منافع ملی، دولت محوری به این معنی است که دولت‌ها مهم‌ترین بازیگران در صحنه روابط بین‌الملل محسوب می‌شوند. حاکمیت محوری یعنی اینکه دولت‌ها در روابط بین‌الملل از حاکمیت تام برخوردارند و قدرت محوری و اصل آنارشی یعنی اینکه در حوزه داخلی نظم و قانون وجود دارد، ولی در حوزه

<sup>1</sup> Richard

روابط بین‌الملل آشفتگی حاکم است. واقع‌گرایان جهان را دارای منافع متعارض می‌دانند و با استناد به ویژگی دولت‌های ملی، بر این باورند که در نظام بین‌الملل منافع و اهداف کشورها در تعارض باهم قرار می‌گیرند (زمانیان، ۱۳۹۰: ۱۱۵). بنا به اعتقاد کیسینجر، کشورها در سیاست بین‌الملل برای رسیدن به منافع ملی و قدرت، اصول اخلاقی را زیر پا می‌گذارند (سیف زاده، ۱۳۸۳: ۱۶۸). برای واقع‌گرایان، قدرت در چگونگی روابط متقابل میان دولت‌ها و تنظیم سیاست خارجی و اهداف نقش مهمی بازی می‌کند. اهدافی مهمتر هستند که چارچوب کلی سیاست خارجی یک دولت را تشکیل می‌دهند. اجرای سیاست خارجی نیازمند برقراری رابطه میان دولت اجراکننده سیاست و دیگر دولتهاست که آن‌ها نیز سیاست خارجی ویژه خود را دارند (زمانیان، ۱۳۹۰: ۱۱۷).

از مهم‌ترین نظریه‌پردازان این نظریه میتوان اسنایدر و والتر نام برد. واقع‌گرایی تدافعی معتقد است که دولت‌ها در پی حفظ موجودیت خویش در نظام اقتدارگرای بین‌المللی هستند. تدافعی‌ها به رابطه میان آنارشی و استلزامات نظام بین‌الملل از یکسو و رفتار دولتها از سوی دیگر، توجه دارند، اما این رابطه را پیچیده‌تر می‌بینند. تنها در شرایطی که از جانب کشورهای دیگر احساس تهدید کنند از خود واکنش نشان میدهند و واکنش‌های آنان معمولاً در سطح موازنه و بازداشتن کشور تهدیدکننده است. آنان هیچ برنامه‌ای برای توسعه‌طلبی ندارند و معتقدند توسعه‌طلبی همیشه منجر به امنیت نمی‌شود. والتر اهمیت زیادی برای نظریه موازنه قوا قائل بود، از نگاه والتر جنگ و نیروی نظامی برای حفظ وضع موجود سودمند است نه برای تغییر و برهم زدن آن (ترابی و محمدیان، ۱۳۹۴: ۶۷).

کشورهایی که سیاست خارجی خود را بر مبنای رئالیسم تدافعی ترسیم می‌کنند، خواهان دستیابی به امنیت به بهای کاهش امنیت دیگران نیستند، رابرت جروسی، یکی از نظریه‌پردازان اصلی این نظریه می‌گوید: دولت‌ها می‌توانند بدون کاهش امنیت دیگران امنیت خود را حفظ کنند و حتی در پیش گرفتن سیاست تدافعی بر اتخاذ سیاست تهاجمی آن‌ها ترجیح یابد. تاکید برافزایش در امنیت دولتها فقط به مقدار اندکی از امنیت سایر

دولتها می‌کاهد و در این شرایط همه قدرتهای خواهان وضع موجود می‌توانند از درجه بالای امنیت برخوردار شوند (برزگر، ۱۳۸۸: ۱۲۶). تالیافرو در مقاله خود با عنوان «امنیت طلبی در شرایط آنارشی» از تلفیق نظریه‌های «نئورئالیسم» و «رئالیسم نوکلاسیک» از یکسو با نظریه‌های «رئالیسم تدافعی» و «رئالیسم تهاجمی» از دگر سو نظریه‌های مختلف رئالیستی را دسته‌بندی می‌نماید. او در مقاله خود نظریه‌های نئورئالیسم را نظیر احتمال جنگ قدرتهای بزرگ، به‌عنوان نظریه‌هایی که به دنبال تبیین نتایج بین‌المللی دوام اتحادها یا احتمال همکاری بین‌المللی هستند و نظریه‌های رئالیسم نوکلاسیک را به‌عنوان نظریه‌هایی که به دنبال تبیین رفتار سیاست خارجی دولت‌ها، نظیر استقرار نیروی دکترین نظامی اولویت اتحاد، سیاست اقتصادی خارجی، دنبال نمودن دیپلماسی تخصصی هستند، تعریف می‌نماید (آجیلی و رضایی، ۱۳۹۷: ۱۶۸).

### طبقه‌بندی نظریه‌های نئورئالیسم و رئالیسم نوکلاسیک

| رئالیسم تهاجمی   | رئالیسم تدافعی   | نئورئالیسم   |
|--|--|--|
| رئالیسم تهاجمی نظام بین‌الملل همواره مشوق‌هایی برای توسعه طلبی ارائه می‌نماید. | رئالیسم تدافعی نظام بین‌الملل مشوق‌هایی برای توسعه‌طلبی آن‌هم تحت شرایطی خاص ارائه می‌نماید. | نئورئالیسم نظریه‌هایی که به دنبال تبیین نتایج بین‌المللی هستند به‌عنوان مثال «احتمال جنگ قدرتهای بزرگ»، «دوام اتحادها» یا «احتمال همکاری بین‌المللی» |
| نظریه هم‌مونیکنگ جنگ (رابرت گیلپین)  | نظریه موازنه قدرت (کنت والتز)  |  |
| نظریه تحول (گذار) قدرت (ای. اف. کی ارگانسکی و یاچک کیوگلر)                     | نظریه تفاضل (دیفرانسیل) های پویا (دیل کولپند)  |  |
| نظریه سیاست قدرتهای بزرگ (جان میرشایمر)  | نظریه‌های همکاری قدرت‌های بزرگ (رابرت جرویس، چارلز گلیسر و بنیامین میلر)                     |  |

|  |  |  |
|--|--|--|
| <p>رتالیسم دولت محور (فرید زکریا) نظریه اهداف جنگ (اریک لابس)</p> <p>نظریه هژمونیک سیاست خارجی (ویلیم ولفرث)</p> | <p>نظریه موازنه تهدید (استفان والت)</p> <p>نظریه بسیج داخلی (توماس کریستنسن)</p> <p>نظریه‌های [موازنه] تهاجم-دفاع استفان وان اورا، توماس کریستنسن و جک اسنایدر، چارلز گلیسر و حایم کافمن</p> | <p>رتالیسم نو کلاسیک نظریه‌هایی که به دنبال تبیین «رفتار [سیاست] خارجی دولت‌ها» می‌باشند- به عنوان مثال «استقرار نیروی دکنترین نظامی»، «اولویت اتحاد»، «سیاست اقتصادی خارجی»، «دنبال نمودن دیپلماسی تخصصی یا تطابقی»</p> |
|--|--|--|

منبع: (آجیلی و رضایی، ۱۳۹۷: ۱۶۹).

### رشد گروهک‌های تکفیری و تروریستی

امروزه داعش، القاعده و گروه‌های وابسته به آن از جمله مهم‌ترین گروه‌های تروریستی بین‌المللی هستند که درصدد گسترش اسلام رادیکال در سراسر جهان و احیای خلافت هستند. از آغاز قرن بیستم، تروریسم چهار موج متمایز را گذرانده است و در حال ۳ حاضر ما شاهد موج چهارم تروریسم یا همان تروریسم مذهبی یا جهادی هستیم. طبق نظر دیوید راپوپورت، روشهای انجام اقدامات تروریستی به فراخور موضوعات و زمان‌ها متحول شده است. الگوی غالب کنش تروریستی در موج اول، قتل یا ترور شخصی بود. موج دوم با حمله به اهداف استعماری از طریق حملات چریکی مشخص میشد. در موج سوم که موسوم به چپ جدید است هوایماریایی، آدم ربایی، گروگان‌گیری و غیره شیوه غالب بود. در جنگ افغانستان از سال ۱۹۷۹ زمینه ظهور تروریسم مذهبی یا موج چهارم تروریسم فراهم شد و با پایان جنگ سرد و فروپاشی مارکسیسم، شاهد گسترش تروریسم مذهبی هستیم که تکنیک خاص آن، عملیات انتحاری است (مبینی کشه و امیدی، ۱۳۹۸: ۲۴۴).

در حال حاضر یکی از عوامل مهم فتنه‌گری در منطقه جریان سلفی تکفیری است که در لباس دفاع از سنت، عملاً در مسیر منافع غربیان گام برمی‌دارد. موجی که پس از واقع ۱۱ سپتامبر تحت عنوان تروریسم جهانی و مقابله با آن به راه انداخته شد و موج اسلام‌هراسی نیز با استفاده از آن توسط غربی‌ها هدایت شد، همچنان ادامه دارد. در مقطع گسترش بیداری اسلامی در منطقه، غرب موفق شده با بهره‌گیری از پتانسیل برخی کشورهای منطقه‌ای، شبکه القاعده و گروه‌های دیگر افراطی را در منطقه در راستای اهداف مورد نظر این کشورها درگیر نماید اما قابلیت‌های این گروه نه تنها کاهش نیافته، بلکه تقویت نیز شده است. فعالیت گروه‌های تروریستی در عراق همچنان بهانه‌ای برای دخالت‌های غرب در عراق می‌باشد (کلانتری، ۱۳۹۵: ۱۸۱).

داعش جزء نادرترین گروه‌های تروریستی است که برخوردار از قدرت سازماندهی، نهادسازی و حکومتی است که البته طبق مؤلفه‌ها و شواهد نمی‌توان آن را یک گروه تروریستی صرف نیز تعریف کرد، چراکه داعش از مؤلفه‌هایی چون نیرو و تشکیلات منسجم نظامی، پایتخت نظامی و اقتصادی، ضرب سکه، راه‌اندازی مدرسه و دانشگاه و از همه مهمتر مردمانی تحت حاکمیت خود برخوردار بود که همین مؤلفه‌ها اطلاق آن را به‌عنوان یک گروه تروریستی صرف دشوار ساخته است (ببری، ۱۳۹۳: ۲). به‌طور کلی، دو دیدگاه در مورد علل و زمینه‌های شکل‌گیری جریان‌های تکفیری (داعش) در خاورمیانه وجود دارد. دیدگاه اول عوامل داخلی موثر در ظهور این جریان می‌باشد و دیدگاه دوم بر عوامل خارجی مؤثر بر ظهور این جریانات تأکید دارد (زارعان، ۱۳۹۲: ۸۷).

یکی از عوامل ظهور تروریست‌هایی نظیر داعش در خاورمیانه سرنگونی دولت‌های اقتدارگراست که دولت‌های جانشین آن توان کافی برای برخورد با گروه‌های تروریستی را ندارند. این روند با تحولات عربی در سالهای اخیر کامل شد. در عراق، سوریه، مصر و لیبی شاهد حضور دولت‌های فاقد توانمندی سیاسی و نظامی لازم برای رویارویی با داعش بودیم (آذین و سیف زاده، ۱۳۹۴: ۳۱). سال ۲۰۱۱ را باید سال آغاز قدرت گرفتن این



گروه‌های بنیادگرای اسلامی در خاورمیانه قلمداد کرد (صالحی و مرادی نیاز، ۸۷-۱۳۹۵). قیام‌های بیداری اسلامی در کشورهای عربی، زمینه را برای خودنمایی این گروه‌ها آماده کرد. جنگ داخلی سوریه و عدم برخورد مناسب رژیم بعث با اعتراض‌های روی داده باعث نارضایتی اقوام و مختلف سنی شد و گروه‌های افراط‌گرا هم از این موقعیت به وجود آمده به نفع خود بهره‌برداری کردند.

به‌طور معمول، یکی از عواملی که بشدت در پدیدار شدن این‌گونه گروه‌ها و جنبش‌ها ارزیابی می‌شود، بحران‌های اجتماعی موجود در بدنه جوامع کشورهای خاورمیانه و اسلامی است که در طول سالیان متمادی، لاینحل باقی مانده است؛ بنابراین، داعش در خط امنیتی موجود در عراق در سالهای پس از اشغال توسط آمریکایی‌ها و در شرایط ضعف و فساد دستگاه‌های نظامی، اطلاعاتی و امنیتی این کشور ظهور کرد. آغاز بحران در سوریه و دگردیسی بحران از وضعیت امنیتی به نظامی، نظام سوریه را در کنترل بخش‌های وسیعی از این کشور ناتوان کرد و در چنین شرایطی عرصه برای تاخت‌وتاز داعش در سوریه و قدرت‌یابی هرچه بیشتر و گسترش آن فراهم شد.

در سطح بین‌المللی نیز داعش دو کارکرد مهم و اساسی را برعهده گرفته است: نخست آن- که با اقدامات وحشیانه خود که با نام اسلام انجام می‌دهد، چهره غیرواقعی و خشنی از اسلام ارائه و زمینه لازم را برای اسلام‌هراسی غرب فراهم می‌کند؛ دوم آن که با این اقدام، جنگ بین تمدنی موردادعای آمریکایی‌ها را به جنگی درون تمدن اسلامی تبدیل کرده و مجری سیاست آمریکا در فرسایش امت اسلامی است؛ بنابراین بعد از فروپاشی نظام دوقطبی غرب به رهبری آمریکا و شرق و به رهبری شوروی، نظام سلطه که در ابتدا تلاش داشت با جنگ بین تمدنی، انقلاب اسلامی و پیامدهای آن را مهار کند، سیاست خود را بر جنگ درون‌تمدنی جهان اسلام معطوف کرد و گروه‌هایی مانند القاعده، جبهه النصره و داعش بر اساس راهبرد جدید آمریکا، یکی پس از دیگری ظهور کردند (حیدری، ۱۳۹۸: ۳۰-۲۹).

## بحران تروریستی و امنیت ایران

امنیت نظامی جمهوری اسلامی ایران را می‌توان به صورت فقدان تهدیدات نظامی داخلی و خارجی علیه ارزش‌های مکتسب مادی و معنوی و عدم احساس ترس از تهدید آن‌ها تعریف کرد. این ارزش‌ها شامل: حاکمیت ملی، استقلال، تمامیت ارضی، سلامت و امنیت مردم، بقای نظام سیاسی - اقتصادی - فرهنگی مذهبی می‌شود. تهدیدات نظامی علیه این ارزش‌ها ممکن است عینی یا ذهنی باشد (کریم‌خانی، ۱۳۹۵: ۱۰۱-۱۰۰). گروه تروریستی داعش هم تهدیدی علیه ارزش‌ها است هم تهدیدی علیه تمامیت ارضی؛ لذا، امنیت ایران را به خطر می‌اندازد. تفسیر داعش از آرمان‌های مذهبی یکی دیگر از مسائل مورد بحث است. مفهوم‌سازی از مفاهیم ارزشمند و بنیادین اسلام به‌ویژه اسلام انقلابی، همچون جهاد و تکفیر نمودن همه غیر از خود، تهدیدی علیه آرمان‌های انقلابی و اسلامی شیعه می‌باشد. جهاد به‌عنوان رکن اصلی اسلام انقلابی هم‌اکنون با سخیف‌ترین تفسیر از آن توسط داعش گره‌خورده است و تا مدت‌ها در ذهن ملت‌ها خواهد ماند. دنیا در مواردی، نظام اسلامی را بانام جنایات داعش می‌شناسد؛ بنابراین در ابتدا باید توجه داشت که اگر ایران در برابر داعش قاطعانه عمل نکند تبعات آن شامل موارد زیر است:

الف) احتمال افزایش ضریب غافلگیری امنیتی و دفاعی

ب) مواجه‌شدن با زمان محدود و عملیاتی در صورت مواجهه با تهدید عملی از سوی گروه‌های تکفیری در ایران.

ج) افزایش و گسترده شدن گروه‌های تکفیری در صورت عدم برخورد؛ بنابراین، بین حذف داعش و امنیت ایران رابطه مستقیم وجود دارد.

به علاوه پیدایش داعش در قلمرو مجاور به شیوه‌های گوناگون هویتی و غیر هویتی برای جمهوری اسلامی منشأ تهدید تلقی می‌شد. یکی از نخستین تهدیدات، تبدیل دولت عراق به یک دولت ورشکسته و سرازیر شدن میلیون‌ها آواره به قلمروی ایران بود. در خلال جنگ عراق و کویت بیش از ۸۰۰ هزار کرد و شیعه عراقی به ایران آواره شدند. با توجه به

اینکه هر آواره روزانه برای جمهوری اسلامی دو دلار هزینه دارد، در کنار میلیون‌ها آواره افغان، با ورود آوارگان جدید، مشکلات اقتصادی، اجتماعی و امنیتی فراوانی به وجود می‌آید. پیدایش داعش موجب مداخله دیگر کشورها در عراق شد و با توجه به حضور شیعیان که عراق عمق راهبردی جمهوری اسلامی محسوب می‌شود، این مداخلات برای ایران تهدید محسوب می‌شد (سیفی و حسن پور، ۱۳۹۷: ۵۴). از همین رو، ایران اولین کشوری بود که برای مبارزه با داعش به عراق قول کمک داد (Gomes-Guimarães & Scalabrin Müller, 2014). ایران داعش را تهدید بزرگ برای مرزهای خود و همچنین منافع خود در عراق می‌داند. استراتژی اصلی و ترجیحی آن برای مبارزه با این گروه شامل حمایت از گروه‌های مختلف در داخل عراق با ارائه اطلاعات و سلاح به آنها است. این استراتژی در خدمت اهداف ایران برای توانمندسازی عراقی‌ها برای حفظ تمامیت ارضی و وحدت ملی کشورشان است و در عین حال ماهیت فرقه‌ای درگیری را کم اهمیت جلوه می‌دهد. با این حال، ایران این رویکرد را تنها تا زمانی که قابل دوام باشد دنبال خواهد کرد و استراتژی آن متناسب با ماهیت، مقیاس و مخاطرات درگیری و سطح مشارکتش نیز بر این اساس تغییر خواهد کرد.

### مؤلفه‌های تهدیدات داعش علیه امنیت ایران

در ادامه به بررسی مؤلفه‌های تهدیدات امنیتی داعش علیه ایران پرداخته می‌گردد:

#### امکانات و توانایی نظامی

داعش تلاش کرده تا از نارسایی دولتهای جوامع اسلامی در زمینه اقتصادی و سیاسی و هویت مذهبی به عنوان مهم‌ترین ابزار برای جداسازی دولت از ملت استفاده کند و سپس با توجه به خلأ ناشی از این شکاف به ایفای نقشی جایگزین پردازد. این مسئله در مورد بازیگرانی اسلامی که از بعد مسافت برخوردارند متفاوت است به همین خاطر بیشتر تلاش داعش برای فعالیت از درون خود این کشورهاست تا حمله نظامی یا فعالیت‌های تروریستی تا از این طریق بتواند ابتدا پایگاه‌هایی مناسب عقیدتی، سیاسی، اقتصادی و نظامی تهیه و

سپس فعالیت رسمی خود را آغاز کند؛ بنابراین، یکی از مهم‌ترین خطراتی که این کشورها را تهدید میکند نیروهایی از این کشورهاست که جذب داعش می‌شوند (جمشیدی و محسنی، ۱۳۹۷: ۱۹). بغیر از نیروی انسانی باید گفت هرچند اطلاعات دقیق و جامعی از میزان توان سخت افزاری آن وجود نداشت اما شبه نظامیان داعش از نظر تسلیحاتی تفاوت چندانی بایک ارتش نداشتند. بخش بزرگی از تسلیحات و مهمات آنان از انبارهای ارتش عراق و از پایگاه اصلی سپاه سوم این ارتش در شهر موصل به غارت رفته و بدین ترتیب داعشی‌ها بیش از صدها خودروی زرهی و تانک و تجهیزات مدرن توپخانه در اختیار داشتند. در حالی که بر پایه برخی تحقیقات، سلاحهای داعش در آغاز کار به همان سلاح‌ها و تجهیزات غالباً ساخت روسیه محدود بود. روسیه مهمترین تأمین‌کننده اسلحه و تجهیزات جنگی سوریه بشمار می‌آید و پس از آنکه واحدهای ارتش سوریه بخشهای بزرگی از شمال شرقی این کشور را درنبرد با داعش از دست دادند، تجهیزات نظامی موجود در این مناطق نیز بدست اعضای این گروه افتاد. بدین ترتیب، میتوان گفت مهمات و تسلیحات و خودروهای نظامی که داعشی‌ها از ارتش عراق به غنیمت گرفتند، غالباً ساخت آمریکا بود. از سوی دیگر، البته گروه داعش به لطف منابع عظیم مالی که در اختیار داشت به خرید سلاح‌هایی از کشورهای آسیای مرکزی نیز اقدام کرد. همچنین، در مورد تعداد اعضای وابسته به داعش نیز اطلاعات دقیقی وجود ندارد. براساس آمار «مرکز بین‌المللی مطالعات خشونت سیاسی و رادیکالیسم» در اوایل سال ۲۰۱۵ بیش از ۲۰ هزار جنگجوی خارجی در عراق و سوریه می‌جنگیدند (مسعود نیا و کشت کار، ۱۳۹۹: ۸۴).

### تهدیدات سرزمینی

برای ایران، داعش تهدیدی متفاوت از دیگر گروه‌های سنی تندرو در مرزهایش است. بسیاری از این گروه‌ها مانند جیش العدل در پاکستان مستقر هستند و در استان سیستان بلوچستان در جنوب شرقی ایران فعالیت می‌کنند. این گروه‌ها تهدیدهای تاکتیکی، اغلب حداقلی، از جمله ربودن اتباع ایرانی و بمب‌گذاری در مناطق مرزی را متوجه ایران کرده

اند. داعش اما به دلیل پیشرفت قابل توجهی که در مدت زمان کوتاهی به دست آورده و کنترل مناطق وسیع جغرافیایی را به دست آورده است (ESFANDIAR & TABATABAI, 2015: 2). داعش تلاش کرد با تشدید اقدامات نظامی در عراق، دامنه جنگ را به سمت مرزهای ایران سوق دهد تا دغدغه ذهنی ایران را به حل تنش‌های احتمالی سیاسی با حضور داعش در عراق و اعلام تشکیل دولت ۵۴ و مذهبی در مناطق مرزی معطوف نماید. اسلامی از سوی این گروه، فصل نوینی از تحركات تروریستی در تاریخ روابط بین‌الملل گشوده شد که نماد آن، گذار از الگوی سازمان القاعده به الگوی سازمان داعش بود. داعش و قبل از آن گروه القاعده عراق به رهبری ابومصعب الزرقاوی ایران را تهدید جدی کرده بود. سخنگوی داعش ابو محمد العدنانی در تهدید علیه ایران اظهار داشته بود که داعش میتواند و می‌خواهد که ایران را به باتلاقی از خون تبدیل کند. در این میان نوع تحركات داعش در عراق به‌ویژه در کردستان عراق و مرزهای غربی ایران به گونه ای بود که جمهوری اسلامی ایران را تحریک می‌کرد تا به طور مستقیم در عراق درگیر شود؛ اما جمهوری اسلامی ایران، با هوشیاری به موقع، نه تنها درگیر جنگ تمام عیار با داعش نشد، بلکه مانع از آن شد که این گروه بتواند حوزه امنیت داخلی ایران را ناامن نماید (دانش، ۱۳۹۸: ۱۹)؛ بنابراین عنصر مجاورت در تهدید زایی داعش برای ایران نقشی کلیدی بازی کرد. این گروه تکفیری از سال ۲۰۱۴ به شکل جدی و عملی وارد خاک عراق شد و شهرهای مهمی همچون موصل و تکریت را تصرف کرد و با تصرف برخی استانهای شمالی عراق به‌ویژه استان دیالی در اواسط سال ۲۰۱۴، این گروه در عمل وارد استان‌های هم مرز عراق با ایران شد که این خود تهدیدی اساسی برای جمهوری اسلامی بود. عنصر مجاورت عامل اساسی در گسیل نیروهای داعش به عراق داشته است زیرا اکثر مناطق آن‌سوی مرز ۵۹۹ کیلومتری عراق با سوریه در اختیار نیروهای این گروه قرار داشت که عامل مهم تهدیدزای برای عراق به شمار می‌رفت و در نهایت منجر به ورود آنها به عراق شد. با تصرف برخی استانهای شمالی عراق به‌ویژه استان دیالی در اواسط سال ۲۰۱۴، این

گروه در عمل وارد استانهای هممرز عراق با ایران شد که این خود تهدیدی اساسی برای جمهوری اسلامی بود. هرچقدر که فعالیت داعش در عراق گسترش بیشتری مییافت، خطر بروز تهدیدات این گروه برای ایران بیشتر میشد؛ زیرا سطح تماس مرزی آن با ایران افزایش مییافت که این خود امکان بروز درگیریهای مرزی را بیشتر می نمود (سیفی و ناصر پور، ۱۳۹۷: ۵۴-۵۳).

### اقدامات تروریستی

افزایش قابلیت‌های تهاجمی داعش با ورود به عراق نیز میزان تهدید آن‌ها را افزایش داد. این گروه‌ها در پرتو کمک‌های مالی و نظامی برخی کشورهای منطقه به تسلیحات پیشرفته و قابل توجهی دست یافته بودند. در رژه‌های که این گروه در اوت سال ۲۰۱۴ برگزار کرد، تجهیزاتاتی که در اختیار داشت (به‌ویژه تجهیزاتی را که در عراق به غنیمت گرفته بود) را به نمایش گذاشت. این تجهیزات بیشتر شامل تانکها، خودروهای زرهی و تانک‌های آمریکایی ارتش عراق بود. این تجهیزات نظامی در اختیار ارتش و پلیس عراق، به هنگام اشغال مناطق گسترده در شمال این کشور، به دست داعش افتاد. ارتش و پلیس عراق در بسیاری از مناطق به هنگام حمله داعش، عقب‌نشینی یا فرار کردند. به همین دلیل، حجم گسترده‌ای از تسلیحات و تجهیزات، سالم در اختیار داعش قرار گرفت. از جمله این تسلیحات موشک اسکاد بود. در میان این تسلیحات شمار زیادی توپخانه، انواع ضد هوایی و خودروها و تانکهای هامر ساخت آمریکایی دیده می‌شد. داعش همچنین شمار زیادی ضد هوایی از جمله موشکهای حرارتی و موشکهای ضد هوایی دوش پرتاب در اختیار داشت. همچنین، این گروه با تصرف پایگاه‌های هوایی ارتش سوریه چند هواپیمای نظامی ارتش سوریه به دست آورده که بارها تهدید به استفاده از آن‌ها کرد (مسعود نیا و کشت کار، ۱۳۹۹: ۸۵). باید گفت داعش خطری برای امنیت یک کشور یا یک منطقه نیست چراکه اجرا شریعت در نظر آن‌ها البته با قرائت ادعایی آنان، راه‌حل تمام مشکلات است. در واقع نص گرایی به دنبال رد هرگونه تأویل و عقل‌گرایی و نفی تمام مظاهر

مدرنیته مثل دموکراسی است؛ داعشی‌ها دموکراسی را کفر می‌دانند. از این رو برای گسترش تفکر خود دست به عملیات تبلیغاتی می‌زنند؛ از مهم‌ترین ارکان ساختار گروه داعش، شورای رسانه‌ای آن هست. رهبران این گروه معتقدند میدان نبرد رسانه‌ها به اندازه میدان جنگ در موفقیتشان اهمیت دارد. این گروه با استفاده از رسانه‌های اجتماعی از یک سو جوانان مسلمان غربی و از سوی دیگران مسلمانان متعصب محلی را به سمت خود جذب می‌کنند. این گروه افراطی معتقد به عملیات نظامی و تروریستی در پیشبرد اهداف خود است و حوزه عملیاتی خود را بین‌الملل تعریف کرده است (جعفری فر، ۱۳۹۶: ۳۶). داعش به‌عنوان بازیگری غیردولتی، مقررات متعددی از حقوق بین‌الملل را نقض کرده است. به‌طور مشخص با نقض فاحش مقررات حقوق بین‌الملل بشردوستانه مرتکب جنایات بین‌المللی شده است. داعش با اقدامات وحشیانه خود تهدیدی بی سابقه برای صلح و امنیت بین‌المللی ایجاد کرد است. تجزیه و تحلیل اقدامات داعش با اتنای بر حقوق بین‌الملل بشردوستانه و حقوق بین‌الملل کیفری نشان می‌دهد نقض مقررات اساسی حقوق بین‌الملل توسط داعش، آن چنان مسلم، غیرقابل مناقشه و در ابعاد بسیار گسترده و غیرانسانی است (ساعدی و همکاران، ۱۳۹۸: ۸۳۴).

### تقابل ایدئولوژی

ایران به دنبال این است که از طریق حفظ موقعیت خود در نظام بین‌الملل به امنیت دست یابد. با در نظر گرفتن مفهوم راهبرد دفاعی که علم و فن و هنر به کارگیری همه قدرت کشور یا قدرت ملی برای مقابله با انواع تهدیدهای امنیت ملی در تمامی ابعاد است (دانش آشتیانی، ۱۳۹۱: ۸۱). عراق، افزون بر قرابت جغرافیایی، قومی و مذهبی بخشی از حوزه تمدنی ایران به شمار میرود (محمدیان و ترابی، ۱۳۹۴: ۲۴۴)؛ با این حال، نقطه عطف گسترش قدرت نرم و عمق نفوذ راهبردی ایران در عراق جدید به تحولات بعد از ورود نیروهای داعش به موصل باز میگردد (Hashem, 2017:108)؛ جایی که ایران نفوذ و تأثیرگذاری خود در صحنه میدانی و عرصه رقابت گفتمانی مبارزه با داعش را به سایر

بازیگران و رقبای درگیر نشان داد. سوریه نیز به لحاظ ژئوکالچر، در حوزه تمدنی نفوذ ایران قرار داشته است. جایگاه ایران در ژئوکالچر شیعه در غرب آسیا باعث ارتقای توان بازدارندگی کشور در جهان اسلام و هویت شیعی می‌گردد. وضعیت جنبش‌های شیعی در غرب آسیا نشان می‌دهد پیوندهای قوی‌تری که میان واحدها با گرایش اسلامگرایی شیعی، در وهله اول در جهان اسلام و در وهله دوم در جهان تشیع وجود دارد، اسباب ایجاد روابطی مستحکم‌تر را میان برخی واحدهای درون شبکه ژئوکالچر اسلام فراهم کرده است و به لحاظ وجوه تمایزی که از آنها برخوردار است و میزان قابل توجهی از استقلال که نسبت به دو شبکه وسیع‌تر اسلام و تشیع دارد، میتواند به عنوان یک‌خرده شبکه مستقل و هویتی فرهنگی از جایگاه ویژه‌های برخوردار باشد (نجفی و خسروی، ۱۳۹۸: ۴۰).

گفتمان داعش، مفاهیمی از جمله حاکمیت الهی، برپایی حکومت اسلامی، ظلم‌ستیزی، جهاد و شهادت و حتی مهدویت و موعودگرایی را که از مفاهیم اصلی گفتمان اسلام سیاسی هستند، به‌گونه‌ای نمایش می‌دهد که چهره‌ای خشونت‌آمیز از اسلام به جهانیان ارائه کند و خوراک تبلیغاتی رسانه‌های غربی را فراهم سازد. اذعان به حمایت غربی‌ها از داعش، تنها بعد خارجی مسئله را در برمی‌گیرد درحالی که عوامل داخلی جهان اسلام نیز تأثیری بسزا در مطرح شدن داعش داشته‌اند. تحولات سال ۲۰۱۱ در کشورهای عربی، مؤید این مدعا بود اما مسیر حرکت بیداری اسلامی با دخالت ائتلاف غربی، عبری و عربی منحرف شد و بی نتیجه ماند؛ یأس و ناامیدی ناشی از این شکست، جوانان کشورهای عربی را به سمت افراط‌گرایی بیشتر سوق داد و جوانان انقلابی ناکام، داعش را که داعیه‌دار احیای اسلام سیاسی و ایجاد خلافت اسلامی بود، قبول کرده، از آن استقبال کردند (فاخری، ۱۳۹۴: ۸۸). باید گفت ظهور داعش و تقویت گفتمان آن منجر به تضعیف جبهه مقاومت می‌شود و از عواقب آن پیشبرد سیاست‌های منطقه‌ای غرب و حامیان آن است. ایدئولوژی سازش‌ناپذیر داعش و حمایت از تقویت آن توسط برخی کشورهای منطقه و فرا منطقه به ایجاد محیط نامنی در منطقه خاورمیانه منتهی شد به‌طوری که ارتش‌های ملی



عراق و سوریه قادر به دفع کامل خطرات آن نبودند و با تشدید نگرانی‌های جهانی از اقدامات فرامرزی داعش عنصر خطرناک جهانی و مروج افراطی‌گرایی و خشونت‌گرایی است (ساداتی نژاد، ۱۳۹۹:۱۴۷). در این میان شهید سلیمانی با درک این واقعیت که تغییر استراتژیک القاعده عراق (دولت اسلامی عراق و شام یا همان داعش) استراتژی مبارزه را از غرب به سمت هویت‌های مذهبی درون جهان اسلام تغییر داده است و تلاش دارد تا با ایجاد فضایی از تخریب، ترور، خشونت، ارباب، مشاجرات عقیدتی و ناامنی روانی و فیزیکی، واگرایی‌های میان ادیان و مذاهب اسمی را به اوج خود رساند به مبارزه برخاست (پیشین).

### تقویت مداخله‌گرایی خارجی

اشغال عراق توسط آمریکا و متحدانش در سال ۲۰۰۳ موجب مهاجرت گروه‌های مسلح سلفی‌جهادی از افغانستان به عراق شد. این گروه‌ها که پیش از این زمان، باهدف مقابله با تجاوز شوروی به افغانستان و سپس تأسیس دولت اسلامی توسط طالبان و در ادامه، مقابله با تهاجم نظامی ائتلاف ضد تروریسم به رهبری آمریکا به افغانستان، در این کشور حضور داشتند، با حمله آمریکا به عراق جبهه جدیدی را علیه آمریکا و هم‌پیمانانش در عراق گشودند و هسته‌های اولیه آنان با محوریت عرب‌افغان‌ها تشکیل شد. پس از سقوط صدام، صدها نفر از این عناصر با متمرکز شدن در منطقه‌ای از عراق با عنوان مثلث سنی، ضمن اتحاد با بعضی‌ها و تشکیل یک محور قوی علیه اشغالگران آمریکایی، به اقدامات مخرب خود مانند بمب‌گذاری، قتل، غارت و ترور، در سطحی گسترده مبادرت کردند. این جنگجویان که توسط شبکه‌های القاعده در افغانستان آموزش دیده بودند و به شدت تحت تأثیر کانون‌های وهابیت در منطقه قرار داشتند، با پیش گرفتن رویه‌های طایفه‌گرایانه، به صورت خشونت‌آمیز وارد تقابل با شیعیان شدند. برخلاف سازمان القاعده که دشمن اصلی

خود را غرب اعلام میکند، داعشی‌ها که از انشعابات سازمان القاعده هستند، علاوه بر اعلام خصومت و دشمنی با غرب، دشمن اصلی خود را شیعیان اعلام می‌کنند (زارعان، ۱۳۹۳: ۸۰). بدین ترتیب، عملکرد کشورهای حامی داعش، فضای مفاهمه و تعامل سازنده را تضعیف و منطقه را به تنش و ناآرامی دچار می‌کند؛ در نتیجه، همگرایی جای خود را به واگرایی منطقه‌ای می‌دهد. فعالیت تکفیری، حضور مجدد آمریکا را در عراق و سایر کشورهای منطقه خلیج فارس سبب می‌شود جمهوری اسلامی ایران، هرگونه مداخله و افزایش حضور آمریکا در منطقه را مانعی در راه تحکیم پیوندهای خود با کشورهای عربی برای امنیت سازی در خلیج فارس تلقی می‌کند (رضایی فرامانی، ۱۳۹۴: ۱۲۶).



## نتیجه گیری

با ظهور داعش، معادلات منطقه‌ای در غرب آسیا بشدت دستخوش تغییر شد. عراق ضعیف را با بحران تازه‌ای مواجه کرد. سوریه را تا آستانه فروپاشی و سقوط پیش برد. باعث شد تمام کشورهای دیگر منطقه هر یک به‌نوعی درگیر این ماجرا شدند. در این خصوص، عملکرد کشورهای حامی داعش، فضای مفاهمه و تعامل سازنده را تضعیف و منطقه را به تنش و ناآرامی دچار می‌کند؛ در نتیجه، همگرایی جای خود را به واگرایی منطقه‌ای می‌دهد. فعالیت تکفیری، حضور مجدد آمریکا را در عراق و سایر کشورهای منطقه خلیج فارس را رقم زد و جمهوری اسلامی ایران، هرگونه مداخله و افزایش حضور آمریکا در منطقه را مانعی در راه تحکیم پیوندهای خود با کشورهای عربی برای امنیت سازی در خلیج فارس تلقی می‌کند؛ روابط دوجانبه نظامی - امنیتی آمریکا با این کشورها، از جمله قراردادهای خرید سلاح چند صد میلیاردی میان عربستان و آمریکا در دوران ریاست جمهوری ترامپ، عاملی مهم در جهت پیشگیری از همکاری‌ها و تعامل‌های منطقه‌ای و به هم خوردن معادلات منطقه می‌شود؛ حتی، حضور نیروهای ناتو در منطقه، هزینه‌های امنیتی ایران را در بلندمدت بالا خواهد برد؛ از سوی دیگر، حضور این نیروها در همسایگی روسیه برای روس‌ها خوشایند نیست و این مسئله، باعث رقابت میان دو ابرقدرت روسیه و آمریکا خواهد شد و در نهایت، زمینه به راه افتادن جنگ نیابتی و ایجاد ناامنی را در منطقه فراهم خواهد کرد (رضایی فرامانی، ۱۳۹۴: ۱۲۶). فعالیت‌های تروریستی داعش، ضمن حاکم کردن فضای جنون‌آمیز و غیرعقلانی در میان مسلمانان، باعث رشد تعصب‌های مذهبی و گرایش‌های افراطی و بشدت انتقام‌جویانه در میان مسلمانان شد؛ این موضع، در تعارض با رویکرد و مشی مسالمت‌آمیز جمهوری اسلامی ایران قرار دارد و عقلانیت محوری و نفی خشونت را که یکی از مهم‌ترین اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران است، تهدید می‌کند.

## منابع

- بصیری، انسیه و پانوجی، رافائلو (۲۰۱۶)، درک نقش ایران در بحران سوریه، ترجمه محسن محمودی و جواد عرب، تهران: مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری.
- ترابی، قاسم؛ محمدیان، علی (۱۳۹۴)، تبیین سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال بحران سوریه از منظر واقع‌گرایی تدافعی، فصلنامه سیاست پژوهی، دوره دوم، شماره ۳، تابستان ۱۳۹۴، صص ۹۰-۶۱.
- جعفری فر، احسان (۱۳۹۶)، بحران امنیتی خاورمیانه و قدرت‌یابی احزاب راست افراطی اروپایی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه مفید قم.
- جمشیدی، محمدحسین؛ محسنی، سجاد (۱۳۹۷)، تبیین چرایی انتخاب کشورهای هدف از سوی داعش و آینده پیش روی آن، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، سال هفتم، شماره ۳، پیاپی ۲۷، پاییز ۱۳۹۷، صص ۲۲-۱.
- حیدری، جهانگیر (۱۳۹۸)، تحلیل عناصر و رفتارهای ژئوپلیتیک مؤثر بر محدودسازی و سد نفوذ کنش‌های منطقه‌ای داعش، فصلنامه دانش تفسیر سیاسی، سال اول، شماره ۲، زمستان ۱۳۹۸، صص ۴۶-۲۱.
- دانش آشتیانی، محمدباقر (۱۳۹۱)، مدیریت راهبرد دفاعی-امنیتی، انتشارات مرکز آموزشی و پژوهشی شهید صیاد شیرازی، تهران.
- دانش، اسماعیل (۱۳۹۸)، نقش شهدای مدافع حرم در امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه افق‌های نو در فقه سیاسی، دوره ۷، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۸، صص ۷۴-۴۰.
- رشید، غلامعلی، کلاتری، فتح‌ا... (۱۳۹۵)، نقش عوامل ژئوپلیتیکی طبیعی در تدوین راهبرد دفاعی جمهوری اسلامی ایران در مقابل تهدیدات نظامی آمریکا از مبدا سرزمینی عراق، فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک شمار ۶۶، انتشارات دانا، تهران.

- رضایی فرامانی، رسول (۱۳۹۴)، تأثیرات ظهور گروه‌های تکفیری داعش در خاورمیانه بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، مجموعه مقالات هشتمین کنگره انجمن ژئوپلیتیک ایران؛ همدلی اقوام ایرانی؛ انسجام و اقتدار ملی؛ سندج، ۲۰ و ۲۱ مهرماه.
- زارعان، احمد (۱۳۹۲)، سنخ‌شناسی شکاف‌های اجتماعی در سوریه، فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام شماره ۵۶.
- زارعان، احمد (۱۳۹۳)، زمینه‌های ظهور و گسترش داعش در محیط امنیتی غرب آسیا، فصلنامه آفاق امنیت، سال هفتم، شماره ۲۳، تابستان ۱۳۹۳، صص ۹۶-۶۷.
- ساداتی نژاد، سید محمد (۱۳۹۹)، نسبت صلح عادلانه با مکتب شهید سلیمانی و جبهه مقاومت، فصلنامه دانش تفسیر سیاسی، سال دوم، شماره ۶، زمستان ۱۳۹۹، صص ۱۶۸-۱۴۲.
- ساعدی، بهمن؛ آرش پور، علیرضا؛ فرزانی نسب، عبدالرضا (۱۳۹۸)، مخاصمه مسلحانه عراق؛ تحلیل اقدامات ارتكابی داعش از منظر حقوق بین‌الملل بشردوستانه و حقوق بین‌الملل کیفری، مطالعات حقوق عمومی تابستان ۱۳۹۹، دوره پنجاهم - شماره ۲، صص ۸۳۶-۸۰۹.
- سیفی، عبدالحمید، پور حسن، ناصر (۱۳۹۷)، داعش و پدیداری موازنه تهدید در روابط ایران و عراق، تهران. فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل. دوره ۱۱. شماره ۴۱.
- عطایی، فرهاد؛ قادری کنگاوری، روح‌الله و ابراهیمی، نبی‌الله (۱۳۹۰)، دیپلماسی عمومی و قدرت نرم؛ ایران و امریکا در عراق جدید، فصلنامه سیاست دوره ۷۸، شماره ۳، صص ۲۰۳-۱۸۹.
- فاخری، هادی (۱۳۹۴)، در برابر گفتمان تکفیر و ترور: بررسی گفتمان گروه‌ها و جریان‌ها تکفیری و مقایسه آن با گفتمان اصیل انقلاب اسلامی، دومه‌نامه اشارت؛ سال چهارم شماره ۱۸.
- کلانتری، فتح‌ا... (۱۳۹۵)، رساله دکتری نقش عوامل مؤثر ژئوپلیتیکی بر راهبرد دفاعی - امنیتی جمهوری اسلامی ایران در مقابل تهدیدات از مبدأ سرزمینی عراق، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران.

کریم خانی، احد (۱۳۹۵)، بررسی نقش آمریکا در بحران سوریه و تاثیر آن بر امنیت جمهوری اسلامی.

میینی کشته، زهرا؛ امیدی، علی (۱۳۹۸)، موج چهارم تروریسم و روندهای آینده تروریسم بین‌الملل، پژوهش‌نامه ایرانی سیاست بین‌الملل، سال هفتم، شماره ۲، بهار و تابستان ۱۳۹۸، صص ۲۶۴-۲۳۹.

مسعود نیا، حسین؛ کشت کار، ابوطالب (۱۳۹۹)، راهبرد جمهوری اسلامی ایران در شکست داعش در منطقه غرب آسیا، فصلنامه سیاست خارجی، سال ۳۴، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۹، صص ۹۶-۷۶.

نجفی، سجاد؛ خسروی، علیرضا (۱۳۹۸)، مؤلفه‌های افزایش قدرت نرم و عمق راهبردی ایران در سوریه و عراق پس از ظهور داعش، فصلنامه آفاق امنیت، سال دوازدهم، شماره ۴۳، تابستان ۱۳۹۸، صص ۵۶-۳۳.

ESFANDIAR, DINA; TABATABAI, ARIANE (2015), Iran's ISIS policy, International Affairs, Volume 91, Issue 1, January 2015, PP 1-15

Gomes-Guimarães, B. & Scalabrin Müller, M. (2014, DEC 09). Retrieved from Iran Joins ISIS Fight: <https://thediplomat.com/2014/12/iran-joins-isis-fight/>

Husen Arif, Beston (2011) *Ilra*' srrrrrrrrrrrrrr rrr accccc Dominance in A Post-ISIS Iraq, Asian Affairs, Vol. 50, No.

Richard Wyn Jones (1999), Security Strategy and critical Theory, LondonmLynnerRienner publishers